

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
SEPARATE OPINION

Case No. B1 (Claim 4)

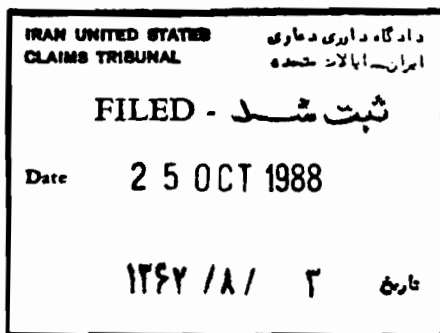
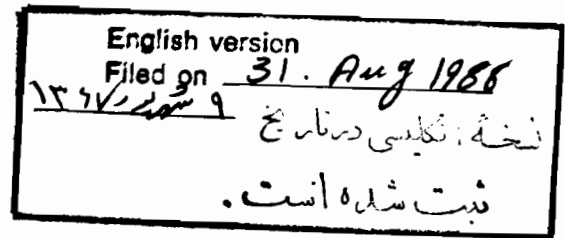
Full Tribunal

پرونده شماره ب ۱ (ادعای ۴)

دیوان عمومی

حکم شماره ب-۱-۳۸۲ دیوان عمومی

دیوان دآوری دعای ایران - ایالات متحدہ



جمهوری اسلامی ایران،

خواهان،

- و -

ایالات متحده امریکا،

خوانده.

DUPLICATE  
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

نظر جداگانه موافق و مخالف قاضی هولتزمان

- ۱ -

۱ - بنا بر استدلال هر دو طرف یعنی ایران و ایالات متحده، ادعای حاضر تاکنون عمدتاً "براین نکته متمرکز بوده که آیا ایالات متحده ملزم است که پاره‌ای وسایل نظامی متعلق به ایران را که طبق ترتیبات قراردادی برای تعمیر یا به منظور تعلیم در ایالات متحده است مسترد نماید یا خیر. در حکم جزیی که امروز به ثبت رسید، به درستی نظر داده شد که هنگامی که ایالات متحده با استفاده از اختیار خود تصمیم گرفت وسایل نظامی را به ایران مسترد نکند، قانوناً صحیح و طبق حقوقی که صریحاً در بیانیه عمومی محفوظ داشته بود عمل کرده است(۱). اینجانب کاملاً با این نظر موافقم.

(۱) رجوع شود به بند ۹ بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر (که منبع "بیانیه عمومی" نامیده می‌شود).

۲ - معهدا نظرم را جداگانه می نویسم تا دلیل مخالفت خود را با دو نکته شرح دهم.

اول، ضمن اینکه موافقم که ایالات متحده باید ارزش وسایل مورد اختلاف را به ایران بپردازد (که ایالات متحده از آغاز آمادگی خود را برای اینکار اعلام کرده)، با تاریخ ارزیابی یعنی ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] که در حکم جزیی تعیین شده، موافق نیستم.

دوم، ضروری و عاقلانه نمی دانم که دیوان در این مرحله از رسیدگی مقرر کند که ارزش وسایل مستقیماً به ایران پرداخت گردد و در حساب امانی فروش تسلیحات به خارج (منبعد "حساب امانی اف ام اس") به حساب ایران تودیع نشود.

۳ - بالاخره، در عین حال که با بقیه حکم جزیی موافقت دارم با بعضی از استدلالات مندرج در آن موافق نیستم. به ویژه با اطناب و پیچاندن غیرضروری مفاد بیانیه عمومی توسط اکثریت به منظور یافتن یک تعهد ضمنی در معاهده برای الزام ایالات متحده به کاری که خود همیشه و بدون چنین اجباری آماده انجام آن بوده موافق نیستم.

۴ - ایالات متحده در حالی که قانوناً از دادن اجازه صدور وسایل نظامی مورد اختلاف در این ادعا به ایران خودداری می نماید مکرراً تصریح کرده که "معهدا در مورد حق ایران نسبت به دریافت ارزش اموالش بحثی ندارد" (۲).

با وجود این، درباره تعیین تاریخ صحیح ارزیابی اقلام مزبور اختلاف وجود دارد. دیوان در حکم جزئی نظر داد که "ارزش این اقلام باید از ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] محاسبه شود که در آن تاریخ تصمیم غیرقابل صدور بودن آنها اتخاذ و مراتب به ایران ابلاغ شد." بند ۷۳ حکم جزئی. بررسی توالی رویدادها و پیامدهای منطقی آنها مرا ناگزیر می‌کند با این نظر که ارزش آن اقلام باید در ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ محاسبه شود مخالف باشم. در حقیقت عمل ایران در مخالفت با پیشنهاد مارس ۱۹۸۱ ایالات متحده مبنی بر فروش آن اقلام منتهی به این نتیجه‌گیری درست می‌شود که اقلام مزبور می‌بایست در وضع فعلی و نه در وضعی که بیش از هفت سال قبل داشتند ارزیابی شود.

۵ - در مورد رویدادهای مربوط بحثی نیست. ایالات متحده بی‌درنگ بعد از انعقاد معاهدات الجزیره این موضوع را بررسی کرد که آیا باید اختیار خود را طبق قانون کنترل صادرات برای امتناع از صدور وسایل نظامی متعلق به ایران که در ایالات متحده قرار داشت اعمال کند یا خیر. این حقی بود که طبق نظر مندرج در حکم جزئی، ایالات متحده صریحا در بیانیه عمومی برای خود محفوظ داشته بود. در ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ آقای رالف لیندستروم، رئیس امور ایران در وزارت امور خارجه ایالات متحده با کاردار سفارت الجزایر که از جانب ایران اقدام می‌کرد ملاقات نمود. در این جلسه، ایالات متحده این موضع را اتخاذ کرد که "صدور چنین وسایلی تصویب نخواهد شد ولی هزینه آنها حتی‌الامکان به ایران مسترد خواهد شد" آقای لیندستروم توضیح داد که تصمیم ایالات متحده "با موافقتنامه‌های الجزیره مطابقت دارد... و طبق قوانین ایالات متحده صدور وسایل نظامی بدون اجازه دولت ممنوع است و چنین اجازه‌ای باید مبتنی بر این تشخیص باشد که صدور اینگونه وسایل در جهت پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده است. در حال حاضر، ما در مورد ایران چنین تشخیص نمی‌دهیم."

۶ - آقای لیندستروم متذکر شد که برای بازپرداخت ارزش وسایلی که قابل صدور نیست ایالات متحده پیشنهاد کرده که وسایلی که در اختیار وزارت دفاع است به فروش رسانده شود. در یادداشت حاوی شرح مذاکرات این جلسه، آمده است که آقای لیندستروم اظهار داشت که "در مورد اغلب اموال انتظار داریم که بتوانیم تمامی وجبی را که ایران برای اموال پرداخته است دریافت کنیم ولی در برخی موارد، خصوصیات ویژه‌ای که ایران سفارش داده و [یا] خرابی وسایل احتمالا" ممکن است سبب کاهش ارزش اموال از نظر سایر خریداران گردد. ایشان تأکید کرد که در هر صورت ما نهایت کوشش خود را معمول خواهیم داشت. سابقه فروش اموالی که سفارشهای آنها قبلا" لغو شده نشان می‌دهد که ما نسبت به ایران منصفانه رفتار خواهیم کرد."

۷ - در مورد منظور نمودن عواید فروش وسایل به حساب امانی اف ام اس ایران توسط وزارت دفاع، آقای لیندستروم اظهار داشت که "وزارت دفاع طبق توافق قبلی با ایران مقادیر زیادی از اقلامی را که ایران به موجب قراردادهایی قبل از نوامبر ۱۹۷۹ سفارش داده و لغو کرده بود به فروش رسانده، عواید آن را به حساب بستانکار ایران به حساب امانی اف ام اس واریز می‌کند. ما در نظر داریم که همین رویه را در مورد اموال متعلق به ایران که در اختیار وزارت دفاع است ادامه دهیم...".

۸ - سپس ایالات متحده پیشنهاد کرد که "مدتی صبر می‌کنیم تا دولت الجزایر دریابد که آیا دولت ایران با این روش مخالفتی دارد یا خیر. چنانچه قبل از دهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۳۰ آوریل ۱۹۸۱] اعتراضی دریافت نکنیم چنین تلقی خواهیم کرد که ایران اجرای توافق قبلی را قبول کرده و در آن صورت جستجوی خود را برای یافتن خریداران دیگری برای اموال ایران که در اختیار وزارت دفاع است آغاز خواهیم کرد."

۹ - ایران بی درنگ از الجزایر تقاضا کرد به ایالات متحده اطلاع دهد که ایران "به امتناع ایالات متحده از تحویل قطعات و وسایل متعلق به ایران" معترض است. ایران این موضع را اتخاذ کرد که بیانیه عمومی حکم می‌کند که "تمام اموال و داراییهای ایران... برگشت" داده شود و این موضعی است که دیوان اکنون صریحا" به نادرستی آن نظر داده است.

۱۰ - در ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] ایران دو راه داشت. یا می‌توانست به ایالات متحده اجازه دهد وسایل نظامی موضوع دعوای حاضر را به فروش رساند یا آنکه از دادن چنین اجازه‌ای امتناع و از اینطریق مالکیت آنها را حفظ نماید به این امید که مآلا" اجازه صدور آنها را دریافت خواهد کرد و ایران راه دوم را انتخاب کرد. در واقع ایران پیوسته معتقد بود که این وسایل نباید به فروش برسد. بدین ترتیب هنگامی که ایالات متحده دوبار طی جریان دعوای حاضر به دیوان اطلاع داد که قصد دارد وسایل را برای ایران به فروش رساند ایران با این امر مخالفت کرد و ایالات متحده به لحاظ اینکه ایران مالک اقلام بود اعتراض وی را محترم شمرد.

۱۱ - تصمیم دیوان مبنی بر تعیین ارزش وسایل در ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] جای ایراد دارد زیرا به این واقعیت توجه نشده است که پس از آن تاریخ، ایالات متحده وسایل را فقط به اصرار ایران نگه داشته است. ایران با امتناع از دادن اجازه فروش و حفظ مالکیت وسایل، عالما" وضعی ایجاد کرد که در آن احتمال کاهش ارزش اموال وجود داشت. در واقع اگر دیوان به نتیجه‌ای می‌رسید که ایران در این رسیدگیها از آن جانبداری می‌کرده و نظر می‌داد که وسایل باید به ایران عودت داده شود، ایران وسایل مزبور را در وضع فعلی و نه در وضعی که در ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] داشت دریافت می‌کرد. چون ایران بود و نه ایالات متحده که تصمیم به نگاهداشتن وسایل گرفت، اکنون ایران خود باید ریسک کاهش ارزش آنها را تقبل کند.

۱۲ - خلاصه اینکه ایالات متحده در ششم فروردین ماه ۱۳۶۰ [۲۶ مارس ۱۹۸۱] پیشنهاد کرد اقلام را بفروشد و ارزش آنها را برای ایران تحصیل کند. ایالات متحده تنها به این علت اقدام به فروش نکرد که ایران یعنی مالک اقلام درخواست کرد که اقلام به فروش نرسد. ایران با این عمل ریسک افت بعدی در ارزش آن اموال را پذیرفت. بنابراین، ایران باید پیامدهای عمل خود را تحمل کند. اینک که دیوان در حکم جزیی تأکید نمود که اقلام نظامی نباید مسترد شود راه حل عادلانه، تعیین ارزش اقلام در وضع فعلی آنها است.

۱۳ - دیوان علاوه بر تعیین ارزش وسایل نظامی که به ایران برگشت داده نشد، باید بالاخره ضمن این رسیدگیها تصمیم بگیرد که آیا باید ارزش اموال مستقیماً به ایران پرداخت گردد یا در حساب امانی اف ام اس به حساب ایران تودیع شود. در حکم جزیی که امروز به ثبت رسید نظر داده شد که ارزش اموال باید مستقیماً به ایران پرداخت شود. به نظر اینجانب در این مرحله از رسیدگی این تصمیم زودرس و غیرعقلانه است.

۱۴ - دیوان در مورد ارزش پولی وسایل نظر داد که "در موضعی نیست که بتواند بر مبنای لوایح و ادله‌ای که نزد وی موجود است تصمیم آگاهانه‌ای اتخاذ کند". بند ۷۵ حکم جزیی. این امر در مورد نحوه پرداخت هم به همین میزان صادق است. توضیحات دو دولت در مورد این نکته بسیار اندک است. بدین ترتیب برای نمونه حتی سندی که حاوی مقررات ناظر بر حساب امانی باشد در پرونده موجود نیست. علاوه بر آن، دیوان هیچگونه مدرک مستند یا گواهی شهود که حاوی شرح کامل نحوه عمل حساب امانی یا رویه قبلی و تفاهم دو دولت درباره آن باشد در اختیار ندارد. به نظر می‌رسد که در یکی از معاهدات گذشته عواید حاصل از فروش پاره‌ای وسایل متعلق به ایران به حساب امانی اف ام اس ایران تودیع شده بود. معهداً هیچ توضیحی به

دیوان نشده که آیا تودیع آن عوائد براساس توافق صریح دو دولت در اوضاع و احوال خاص آن معامله صورت گرفته یا مبین تفاهم وسیعتری بین آنها درباره ترتیبات کلی مالی راجع به وسایل نظامی بوده است.

۱۵ - بدیهی است که دیوان قبل از تعیین مبلغی که باید پرداخت شود نیازی به تعیین نحوه پرداخت به ایران ندارد. با توجه به این نکته و قلت مدارک درباره این موضوع با احترام پیشنهاد می‌کنم که نیازی نیست دیوان درباره این نکته عجولانه تصمیم نهایی بگیرد. به جای این کار، عاقلانه‌تر این است که از دو دولت دعوت کند ضمن اینکه مدارک خود را درباره ارزیابی، تهاثر احتمالی ادعاهای متقابل، بهره و مسئولیت هزینه‌های انبارداری و سایر هزینه‌های مربوط به اموال تسلیم می‌کنند، مدارک و استدلالات خود را درباره موضوع حساب امانی ارائه دهند. بدین طریق دیوان می‌تواند درباره چگونگی پرداخت براساس مدارک کامل تصمیم بگیرد بدون آنکه تاخیری در تعیین تکلیف نهایی ادعای حاضر ایجاد شود.

۱۶ - پرداخت ارزش وسایل نظامی موضوع این دعوی از طرف ایالات متحده به ایران موضوع مورد اختلاف نیست زیرا همانطور که قبلاً ذکر شد ایالات متحده مکرراً اظهار داشته است که "در مورد حق ایران نسبت به دریافت ارزش اموالش (۳)" بحثی ندارد. ضمن وجود اختلافات درباره تاریخ ارزیابی و چگونگی پرداخت که در بالا مورد بحث قرار گرفت، تمایل اصولی ایالات متحده به پرداخت هرگز دچار تزلزل نشد. بنابراین دلیلی ندارد که دیوان برای یافتن ماده‌ای در تعیین مبنای تعهد پرداخت ایالات متحده در بیانیه عمومی جستجو کند و مفاد آنرا بسط دهد. نه متن بیانیه عمومی و نه تاریخچه آن و نه رفتار طرفین، هیچیک چنین تفسیر دور از ذهنی را تأیید نمی‌کنند.

۱۷ - اگر علی‌رغم اقرار خود ایالات متحده، دیوان تصور می‌کند که باید برای تعهد پرداخت ایالات متحده الزاما" مبنای حقوقی تعیین نماید، این مبنای مناسب، در قراردادهای ذیربط وجود دارد. همانطور که در حکم جزیی به درستی نظر داده شد طبق همان ترتیبات قراردادی که اموال ایران در اختیار ایالات متحده قرار گرفت، ایالات متحده به عنوان امین اموال متعلق به ایران در آمد. رجوع شود به بند ۷۰ حکم جزیی. در شرایط پرونده حاضر، از جمله وظایف ایالات متحده به عنوان امین، یکی هم وظیفه پرداخت ارزش اموالی است که مسترد نمی‌کند(۴). من مسئولیت ایالات متحده را بر این تعهد ساده قراردادی مبتنی می‌کردم.

۱۸ - حکم جزیی به جای این کار به بحث درباره بند ۹ بیانیه عمومی پرداخته که نه ضرورتی دارد و نه قانع کننده است. چنانکه باید حکم می‌پذیرد که بند ۹ صریحا" به ایالات متحده اجازه می‌دهد از صدور وسایل نظامی ایران خودداری کند و شرطی هم ندارد که ایالات متحده در صورت اعمال این حق باید پولی بپردازد. معهدا اکثریت نظر داد که "چنین تعهدی در آن بند مستتر است" بند ۶۶ حکم جزیی.

۱۹ - حکم جزئی این دلالت تلویحی را در درجه اول از قرائت بند ۹ در ارتباط با اصل کلی الف بیانیه عمومی به دست می‌آورد. اصل کلی الف می‌گوید که ایالات متحده "حتی‌الامکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۹] باز خواهد گرداند" معهدا اصل کلی الف تصریح می‌کند که لازم

---

(۴) برای نمونه رجوع شود به:

D. Burke, Personal Property 152, 162 (1983); G. Paton, Bailment in the Common Law 379-89, 404-18 (1952);

و همچنین به (اسقاط وظیفه خواننده با اعاده وضع) (جایگزینی اجرا و معذور بودن از اجرای شرایط تعیین نشده قبلی)

6 A. Corbin, Corbin on Contracts section 1368; U.C.C. section 2-614, U.C.C. section 2-615.



است برگشت وضع مالی ایران تنها "در چهارچوب و پیرو شرایط" بیانیه‌های الجزیره انجام شود. بحثی نیست که "چهارچوب" مربوط در این زمینه، مفاد بند ۹ است که به ایالات متحده اجازه می‌دهد حق خود را در منع صدور وسایل نظامی طبق قوانین جاری در ۲۳ نوامبر ۱۹۷۹ [چهارم آبان ماه ۱۹۷۹] اعمال نماید. همانطور که اکثریت به درستی نظر داد وقتی استرداد وسایل طبق هیچ عهدنامه‌ای الزامی نیست، عدم استرداد وسایل، تعهدی به استناد عهدنامه، برای پرداخت غرامت ایجاد نمی‌کند.

۲۰ - علاوه بر آن، برخلاف معمول است که حکم جزئی وارد توضیح مفصلی شود که دولت در هنگام مذاکره و توافق درباره بیانیه عمومی، وسایل نظامی موضوع این ادعا را به عنوان قسمتی از "وضع مالی" ایران که قرار بود طبق اصل کلی الف اعاده شود تلقی نمی‌کردند (۵) و سپس به همان اصل کلی استناد نماید تا این دلالت تلویحی را تایید کند که بند ۹ ایالات متحده را برای اعاده همان وضع مالی متعهد به پرداخت می‌نماید.

۲۱ - اکثریت برای تأیید موضع خود مبنی بر این که تعهد ایالات متحده در پرداخت بابت وسایل نظامی برگشت داده نشده، در بند ۹ (بیانیه) "مستتر" است، دلیل دیگری هم می‌آورد و استدلال می‌کند که اظهارات ایالات متحده مبنی بر تمایل به پرداخت ارزش اجناس در حکم نشانه‌ای است از "عملکرد بعدی" که این نیز باید طبق بند ۳ (ب) ماده ۳۱ کنوانسیون وین (درباره قانون معاهدات)، در تفسیر یک معاهده مورد توجه قرار گیرد. بند ۶۸ حکم جزئی. در اینجا نیز اکثریت زیاده تقلا می‌کند.

---

(۵) رجوع شود به تأکید خاصی که در بند ۵۳ حکم جزئی در این نکته شده است.

۲۲ - عملکرد بعدی یک دولت طرف معاهده تنها هنگامی مبنای صحیحی برای تفسیر یک معاهده است که معلوم شود که آن معاهده، انگیزه آن عملکرد بوده است. در این مورد، مدرک یا حتی استدلالی ارائه نشده که نشان دهد تمایل ایالات متحده به پرداخت بابت اموال ایران، در رعایت تعهدی مستنبط از بند ۹ و ملحوظ در آن بوده است. چنین عملکردی نیز به همین میزان با پذیرش تعهد قراردادی برای پرداخت هماهنگ است (۶). هنگامی که هیچ قرینه‌ای مبنی بر اینکه معاهده، انگیزه عملکرد بوده وجود ندارد، صحیح نیست که از آن عملکرد برای تفسیر معاهده استفاده شود.

۲۳ - مضافاً، حکم جزئی در جستجوی مبنای تعهد پرداخت ایالات متحده بابت وسایل مورد اختلاف، امتناع ایالات متحده از صدور را به سلب مالکیت تشبیه می‌کند. رجوع شود به بند ۷۰ حکم جزئی. به عقیده من اصول کلی حقوق بین‌المللی که اکثریت به آنها استناد می‌کند برای مقابله با شرایط متفاوتی تدوین شده و ضرورتاً در مورد پرونده‌ای مانند پرونده حاضر صدق نمی‌کند که در آن دولتی وسایل نظامی به قلمرو دولت دیگری ارسال داشته با آنکه می‌دانسته که قوانین دولت گیرنده وسایل اجازه می‌دهد در صورتی که صدور آنها را مغایر سیاست خارجی خود تلقی کند از دادن اجازه صدور امتناع نماید. بنابراین، به نظر من مطالب حکم درباره اصول کلی حقوق بین‌المللی موردی ندارد.

لاهی، به تاریخ نهم شهریور ماه ۱۳۶۷ برابر با ۳۱ اوت ۱۹۸۸



هوارد ام. هولتزمن

(۶) هنگامی که در جلسه استماع این سؤال مطرح شد که چرا ایالات متحده آماده بود ارزش اموال مسترد نشده را بپردازد، مشاور حقوقی وزارت خارجه اظهار داشت که ایالات متحده نمی‌خواست "غیرعادلانه" دارا شود. این موضع با وظیفه امینی که تشخیص می‌دهد چنانچه اجناس را مسترد نکند باید ارزش آنها را بپردازد کاملاً هماهنگ است.